

مهدویت از دیدگاه شیعه و اهل تسنن

نرجس مظفری^۱

چکیده

مهدویت، به عنوان باوری ریشه‌دار در اسلام، به ظهور منجی موعودی اشاره دارد که در آخرالزمان با قیامی جهانی، عدالت را جایگزین ظلم و جور خواهد کرد. این پژوهش به صورت تطبیقی و با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی و مقایسه دیدگاه شیعه و اهل سنت در خصوص مهدویت پرداخته است. در این راستا، با استناد به منابع قرآنی، حدیثی و کلامی دو مذهب، به بررسی مفاهیم کلیدی از جمله هویت، نسب، ولادت، غیبت، عصمت، علائم ظهور و نقش مهدی در آینده جهان اسلام پرداخته شده و تفاوت‌ها و شباهت‌های دو مکتب مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه هر دو مذهب به ظهور مهدی و نقش او در برقراری عدالت ایمان دارند، اما در بسیاری از جزئیات اعتقادی تفاوت‌های عمیقی وجود دارد: شیعه، مهدی را امام دوازدهم، معصوم، در حال غیبت کبری و زنده می‌داند، در حالی که اهل سنت عموماً او را فردی عادل و از نسل نبی (ص) می‌پندارند که در آینده متولد شده و ظهور خواهد کرد و به غیبت طولانی یا عصمت لدنی اعتقادی ندارند. این تمایزها نشان‌دهنده تفاوت در بینش کلی دو مذهب از مفهوم رهبری، امامت و نظام الهی در آخرالزمان است. هدف اصلی این پژوهش، ارائه تصویری جامع و مقایسه‌ای از مفهوم مهدویت است تا زمینه درک بهتر، کاهش سوءتفاهمات و گفت‌وگوی فکری بین دو مذهب بزرگ اسلامی فراهم شود.

کلید واژه‌ها: مهدویت، شیعه، اهل تسنن، روایت، حدیث

^۱ . دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه نرجس خاتون دولت آباد، a.amoozesh1390@chmail.ir

مقدمه

مهدویت، باوری ریشه‌دار در تعالیم اسلامی، به ظهور منجی موعودی اشاره دارد که در آخرالزمان قیام کرده، عدل و داد را در سراسر جهان بسط می‌دهد و ظلم و جور را ریشه‌کن می‌سازد. این عقیده، نه تنها افق روشنی از آینده‌ای پر از امید و برابری را ترسیم می‌کند، بلکه موتور محرکه‌ای برای حرکت‌های اصلاحی و آرمان‌خواهی در طول تاریخ اسلام بوده است. با این حال، با وجود اشتراک در اصل باور به مهدویت، جزئیات و تبیین‌های آن در میان مذاهب مختلف اسلامی، به‌ویژه شیعه و اهل تسنن، تفاوت‌هایی اساسی دارد. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع می‌پردازد و به دنبال آن است که تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه‌های شیعه و اهل تسنن در مفهوم مهدویت را واکاوی کند.

در این راستا، سوال اصلی پژوهش این است: دیدگاه شیعه و اهل تسنن در خصوص مهدویت چیست؟ در میان آثار معاصر «کتاب موعود نامه به قلم مجتبی تونه‌ای» از منابع قابل قبولی است که به مبحث مهدویت پرداخته است. اما در خصوص دیدگاه تشیع و اهل تسنن به صورت مفصل به این موضوع نپرداخته است. در مقابل، این پژوهش با تمرکز بر تحلیل منابع قرآنی، حدیثی و کلامی هر دو مذهب، به دنبال ارائه تصویری مقایسه‌ای و جامع از مفهوم مهدویت است تا زمینه درک بهتر و گفت‌وگوی فکری بین دو مذهب را فراهم کند. هم‌چنین پایان نامه‌ای با عنوان «مهدویت از دیدگاه اهل تسنن و شیعه نوشته ی خانم فهیمه کرامتی» به توصیف جامع و طبقه‌بندی شده ابعاد گوناگون مهدویت در منابع دینی می‌پردازد در حالی که مقاله حاضر بر تحلیل مقایسه‌ای و استخراج تمایلات اعتقادی در مفهوم مهدویت تمرکز دارد.

مفهوم شناسی :

برای ورود به بحث عمیق و چندوجهی مهدویت از منظر شیعه و اهل تسنن، ضروری است ابتدا مفاهیم کلیدی و محوری این پژوهش به دقت تبیین گردند تا درک مشترکی از اصطلاحات اصلی برای

خواننده فراهم آید. این امر، نه تنها به شفافیت مباحث کمک می‌کند، بلکه از هرگونه سوءبرداشت احتمالی نیز جلوگیری خواهد کرد.

۱. مهدویت

مهدویت در لغت: [مَدَوِی یَ] (ع مص جعلی، امص) مهدی (امام منتظر) بودن. (دهخدا، ۱۳۱۸)

در اصطلاح کلامی و اسلامی:

«مهدویت» به باور به ظهور یک منجی الهی در آخرالزمان اطلاق می‌شود که از نسل پیامبر اسلام (ص) است و جهان را پس از پر شدن از ظلم و جور، با عدل و داد پر خواهد کرد (انجمن دانشنامه اسلامی، ۱۹۱۳-۱۹۳۸).

۲. شیعه

واژه «شیعه» در لغت:

به معنای اتباع، انصار و پیروان آمده است؛ بدین معنا که اگر کسی از شخصی پیروی کند و دوستی و محبت او را در دل داشته باشد و از او حمایت نماید، به او «شیعه» گفته می‌شود (دانشنامه اسلامی) و

در اصطلاح کلامی:

«شیعه» به گروهی از مسلمانان گفته می‌شود که ولایت و پیروی از حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) و امامان معصوم پس از ایشان را اصلی از اصول ایمان خود می‌دانند. شیعیان معتقدند مقام امامت، همچون نبوت، از نوع مناصب الهی است و باید از طریق نصّ صریح از جانب پیامبر (ص) تعیین شود، نه با انتخاب عمومی. همچنین، امام باید دارای صفت عصمت باشد تا بتواند به درستی رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷ و دانشنامه اسلامی)

۳. اهل تسنن

اصطلاح «اهل تسنن» یا «اهل سنت و جماعت»

اهل سنت، شاخه‌ای بزرگ از مسلمانان به شمار می‌روند که اکثریت را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که شیعه، اقلیت جامعه

اسلامی را شامل می‌شود. تفاوت اصلی میان این دو گروه بر سر موضوع جانشینی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. بر همین اساس، اهل سنت به هر فردی گفته می‌شود که به امامت از طریق نص اعتقادی ندارد و معتقد به خلافت ابوبکر بن ابی‌قحافه، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان و علی بن ابی‌طالب (علیهم‌السلام) پس از پیامبر (ص) است.

(غزالی، ۱۴۰۹، ص ۱۵۲-۱۵۴ و انجمن دانشنامه اسلامی، ۱۹۱۳-۱۹۳۸،)

مهدویت از دیدگاه شیعه اثنی عشری

در دیدگاه شیعه اثنی عشری، مهدویت بیانگر باوری عمیق به ظهور منجی موعود، حضرت مهدی (عج)، است که به عنوان آخرین امام معصوم و وارث تمامی مکالمات نبوت و امامت، در آخرالزمان ظهور کرده و جهان را از جور و ستم پاک خواهد کرد. این مفهوم، ریشه در نصّ صریح قرآن، احادیث متواتر و نیز تداوم حجت الهی بر جهان دارد.

۱-۱. دلایل وجود و حیات فعلی امام مهدی (عج)

موضوع وجود امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)، یکی از محورهای مهم باورهای شیعه دوازده‌امامی است که در کنار اصول دینی مانند نبوت و معاد، جایگاه ویژه‌ای دارد. این مسئله از زمره «امامت خاصه» محسوب می‌شود؛ یعنی اثبات آن مستقیماً از طریق برهان عقلی ممکن نیست، بلکه باید با ترکیب ضرورت عقلی وجود امام در تمام دوران‌ها و روایات متواتر و تاریخی دربارهٔ شخصیت و حیات امام مهدی (عج)، به نتیجه رسید.

برای اثبات حیات امام زمان (عج)، دو رکن اصلی مورد نیاز است: اول، ضرورت وجود امام در تمام دوران‌ها که از طریق برهان‌های عقلی تبیین می‌شود، و دوم، اثبات ولادت و حیات امام مهدی (عج) از طریق روایات و وقایع تاریخی که برهان نقلی محسوب می‌شود. (غنوی، ۱۳۹۶)

در بحث برهان عقلی، وجود امام (معصوم) پس از نبوت، به عنوان لطف الهی و ضرورتی برای حفظ دین و راهنمایی بشر مطرح می‌شود. چندین برهان عقلی در این زمینه ارائه شده است.

برهان اول، برهان لطف است که مبتنی بر این اصل است که خداوند، به عنوان رحمان و رحیم، باید راهی برای رهایی بشر از گمراهی فراهم کند. نبوت و امامت، دو شکل از "فیض الهی" هستند که به صورت پیوسته باید در جهان حضور داشته باشند. در این راستا، حدیث معروفی از امام صادق (ع) نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَأَعْظَمُ مَنْ أَنْ يَتْرَكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَادِلٍ. خدا برتر و بزرگتر از آنست که زمین را بدون امام عادل واگذارد.» (صفار، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۸۵) چون این حدیث، نشان‌دهنده اهمیت وجود یک فرد معصوم و کامل در هر عصر است تا دین خدا حفظ شود و مردم از انحراف جلوگیری کنند.

برهان دوم، برهان علت غایی نام دارد. در فلسفه کلام، خداوند را علت غایی افعالش می‌دانند؛ یعنی همه امورش با هدف و مقصود است. غایت اصلی خلقت انسان، تحقق کمال است و انسان کامل، همان امام معصوم است. بنابراین، وجود امام، به عنوان نقطه اوج کمال انسانی، ضروری است تا هدف خلقت به طور کامل محقق شود. (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۲ و صدرالدین، ۱۳۶۳، ص ۸۹)

برهان سوم، برهان امکان اشرف نام دارد. این برهان فلسفی بیان می‌کند که در عالم وجود، ممکن اشرف (بهترین و کامل‌ترین) باید از ممکن اخس (ناقص و ناکم) پیشی بگیرد. چون انسان اشرف مخلوقات است، نمی‌توان تصور کرد که کمالات وجودی مانند علم، قدرت و عدالت، به افراد عادی برسند، در حالی که به انسان کامل (امام) نرسیده باشد. (جلالی راد، ۱۳۹۰)

برهان چهارم، برهان مظهر جامع است که بر این اساس استوار است که خداوند در ذات یکتا است، اما در مظاهر خود، تنوع دارد. انسان کامل، به عنوان مظهر جامع اسما و صفات الهی عمل می‌کند. امام زمان (عج)، در عصر غیبت، همچنان این مظهریت را حفظ کرده و به عنوان پیوند بین عالم امر و عالم خلق، وظیفه رهبری معنوی را بر عهده دارد (رضوانی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۶)

علائم نه تنها نشانه‌هایی برای نزدیکی ظهور هستند، بلکه به عنوان معیاری برای تشخیص مهدی حقیقی از مدعیان دروغین عمل می‌کنند (اکبرنژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۵۳).

در نظام اعتقادی شیعه دوازده‌امامی، ظهور حضرت مهدی (عج) به عنوان نقطه عطف تاریخ بشری و آغاز حکومت جهانی عدل و حق، همواره مورد توجه فراوان بوده است. این ظهور پیش از وقوع، با مجموعه‌ای از نشانه‌های «حتمی» همراه است که وقوع آنها ضروری و غیرقابل انکار معرفی شده‌اند. واژه «حتمی» در اینجا به معنای محتوم و لازم‌الوقوع است؛ یعنی بدون تحقق این نشانه‌ها، ظهور محقق نخواهد شد (آیتی، ۱۳۹۰).

از جمله مهم‌ترین این نشانه‌ها می‌توان به قیام یمانی، ندای آسمانی، خسف بیداء و کشته شدن نفس زکیه اشاره کرد. قیام یمانی، جنبشی است که باید از سرزمین یمن آغاز شود و همزمان با خروج سفیانی از شام رخ دهد؛ در غیر این صورت، هرگونه ادعایی در این زمینه نامعتبر خواهد بود. همچنین، یمانی واقعی باید فضیلت‌گرا، عدالت‌محور و دور از هرگونه انحراف شرعی باشد، چرا که هر رفتار ناهماهنگ با ارزش‌های دینی، نشانه‌ای آشکار از کذب مدعی است (آیتی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰).

ندای آسمانی نیز که توسط جبرئیل امین سر داده می‌شود، نه تنها به عنوان بشارتی برای مؤمنان، بلکه هشدار برای ستمگران محسوب می‌گردد و به گونه‌ای معجزه‌آسا، هر قومی آن را به زبان خود خواهند شنید (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۶). این ندا در ماه رمضان واقع خواهد شد و مردم را به سوی مکه و اطاعت از امام مهدی (عج) فرا می‌خواند (زمانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۴).

خسف بیداء نیز که به فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان میان مکه و مدینه اشاره دارد، نمادی از مداخله مستقیم الهی در دفاع از حق است و شباهت ظاهر و معنوی با ماجرای اصحاب فیل دارد نشان‌دهنده جایگاه مقدس امام مهدی (عج) به عنوان مظهر توحید (آیتی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳).

کشته شدن «نفس زکیه» جوانی پاک از نسل اهل بیت (ع) با نام محمد بن الحسن در میان رکن و مقام، در روز و شهر حرام، پیش‌درآمدی بر ظهور در عرض کمتر از پانزده شبانه‌روز است (سلیمیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲). این نشانه‌ها نه تنها جنبه خبری دارند، بلکه پیام‌های تربیتی و اعتقادی عمیقی را به همراه دارند: از یک سو، امید به فرج و عدالت جهانی را تقویت می‌کنند و از سوی دیگر، مسئولیت انسان متظر را در

زمینه‌های فردی و اجتماعی سنگین‌تر می‌سازند. در عصر حاضر، دو خطر عمده «تفریط» (بی‌اعتنایی به نشانه‌ها) و «افراط» (تطبیق اجباری وقایع با روایات و تعیین وقت ظهور) موجب گمراهی و ناامیدی جامعه منتظر شده است. تنها راه نجات، مطالعه دقیق، همراه با تدبیر و احتیاط، و دوری از هرگونه تعجیل یا غفلت است تا فرد نه در ورطه فتنه‌ها سقوط کند و نه در دام یأس و ناامیدی گرفتار شود.

۲-۵. جایگاه حضرت عیسی (ع) در کنار حضرت مهدی در زمان ظهور در احادیث اهل تسنن

در اهل سنت، نزول حضرت عیسی بن مریم (ع) در آخرالزمان از جمله باورهای محکم و متواتر است که در صحاح بخاری، مسلم و دیگر مصادر حدیثی به وفور آمده است. او نه به عنوان پیامبر جدید، بلکه به عنوان یار و پیرو حضرت مهدی (عج) نازل می‌شود تا در قیام عدالت جهانی همراه او باشد. این باور، هم در میان علمای اهل سنت و هم در متون حدیثی آنها جایگاه محکمی دارد. (بخشی، ۱۳۹۹)

از مهم‌ترین نقض‌حضرت عیسی (ع)، نصرت به امام مهدی (عج) و کشتن دجال است. در روایتی از نسایی آمده است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ سَيَنْزِلُ، فَإِذَا رَأَاهُ الْمَسِيحُ الْكَذَّابُ ذَابَ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ، فَلَوْ تَرَكَهُ لَأَنْذَابَ حَتَّى يَهْلِكَ، وَلَيَقْتُلَنَّ اللَّهُ بِيَدِهِ، فَيُصَلِّيَ خَلْفَ الْمَهْدِيِّ" (سنن النسائي الكبرى، ص: ۳۴۵۴)

ترجمه: پیامبر (ص) فرمودند: «عیسی ابن مریم نازل خواهد شد، و هنگامی که دجال را ببیند، مانند نمک در آب ذوب خواهد شد. اگر او را رها می‌کرد، تا هلاکت ذوب می‌شد، اما خداوند او را به دست عیسی خواهد کشت، و عیسی پشت سر مهدی نماز خواهد خواند.»

این روایت نشان می‌دهد که عیسی (ع) تنها در کنار مهدی حضور ندارد، بلکه از او تبعیت می‌کند و پشت سرش نماز می‌خواند. این امر، نمادی بارز از حقانیت امام مهدی (عج) و برتری مقام او در نظام الهی است. همچنین، در روایتی از مسلم آمده: «حَدَّثَنَا مُسْلِمٌ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو نُعَيْمٍ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ زَادَانَ، عَنْ أَبِي وَائِلٍ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "لَيَنْزِلَنَّ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا عَدْلًا، وَإِمَامًا مُقْسِطًا، فَيَكْسِرَنَّ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَنَّ الْخَزِيرَ، وَيَضَعَنَّ الْجِزْيَةَ، وَيَفِيضَ الْمَالَ فَلَا يَقْبَلْتَهُ أَحَدٌ»

(صحیح مسلم، ص ۲۹۲۳) ترجمه: «رسول خدا (ص) فرمودند: «ابن مریم بی‌گمان نازل خواهد شد، حاکمی عادل و امامی منصف، و صلیب را شکست، خوک را خواهد کشت، جزیه را خواهد برداشت، و

مال فراخواهد شد، تا جایی که هیچ‌کس آن را نپذیرد.» این روایات نشان می‌دهند که عیسی (ع) در زمان مهدی، حاکمی عادل و قاضی در حکومت مهدوی است و با حضورش، تحریفات دینی مسیحیت (به ویژه تثلیث و الوهیت) از بین می‌رود. نماز خلف مهدی، نمادی از وحدت امت و ایمان اهل کتاب به حقانیت اسلام و امامت مهدی (عج) است. همچنین، آیه ۱۵۹ سوره نساء: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» از دیدگاه اهل سنت، اشاره به ایمان تمامی اهل کتاب به حضرت عیسی (ع) در زمان نزول او دارد. این ایمان، در پرتو تبلیغات و گواهی خود عیسی (ع) در برابر اهل کتاب و پیروی او از مهدی (عج) صورت خواهد گرفت. (بخشی، ۱۳۹۹) بنابراین، از دیدگاه اهل سنت، حضرت عیسی (ع) نه تنها یار نظامی، بلکه عامل معرفت‌بخش، مصلح دینی و وحدت‌آفرین بین اهل کتاب و مسلمانان در زمان ظهور مهدی (عج) خواهد بود. نقش او، تأیید کننده حقانیت پیامبر اسلام (ص) و حاکمیت عادلانه امام مهدی (عج) است. (همان)

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهدویت، به عنوان یکی از محورهای اصلی اندیشه آخرالزمانی در اسلام، باوری مشترک بین شیعه و اهل سنت است که در آن، منجی موعودی از نسل پیامبر (ص) ظهور خواهد کرد تا زمین را پس از پر شدن از ظلم، با عدل و داد پر سازد. با این حال، تحلیل تطبیقی دو مذهب بیانگر آن است که اگرچه اصل باور به مهدی در هر دو مذهب با استناد به قرآن و سنت تأیید شده است، اما در تفسیر جزئیات اعتقادی، تفاوت‌های بنیادینی وجود دارد.

از دیدگاه شیعه، امام مهدی (عج) امام دوازدهم، معصوم، زنده و در غیبت کبری است که از سال ۲۵۵ هجری متولد شده و از سال ۳۲۹ هجری وارد دوران غیبت شده است. این غیبت، بر اساس براهین عقلی مانند برهان لطف و علت غایی، و روایات متواتر از ائمه اطهار (ع)، به عنوان بخشی از یک طرح الهی برای حفظ امام، آزمایش ایمان و آماده‌سازی زمینه‌های قیام عدالت، تبیین می‌شود. شیعه، مهدی را رهبری جهانی، همراه با حضرت عیسی (ع)، و مبدل جهان به عدالت می‌داند و به علائم حتمی مانند ندای آسمانی، خروج سفیانی و رجعت مؤمنان و کافران اعتقاد دارد.

در مقابل، اهل سنت نیز به ظهور مهدی ایمان دارند، اما عموماً او را فردی عادل، از نسل نبی (ص) و اغلب از نسب حسنی می‌پندارند که در آینده متولد شده و سپس ظهور خواهد کرد. اهل سنت به طور کلی به غیبت طولانی یا حیات فعلی مهدی اعتقادی ندارند و او را معصوم لدنی نمی‌شمارند، بلکه به عنوان یک مجدد دینی و رهبر عادل معرفی می‌کنند. با این حال، علائمی مانند ندای آسمانی و خسف لشکر در بیداء در منابع اهل سنت نیز به وضوح ذکر شده‌اند که نشان‌دهنده همپوشانی قابل توجهی در بینش آخرالزمانی دو مذهب است. این تمایزات، در نهایت، بازتابی از تفاوت‌های بنیادین دو مذهب در مفهوم امامت، ولایت الهی و نظام رهبری است. شیعه، مهدویت را ادامه و اوج نظام امامت معصوم می‌بیند، در حالی که اهل سنت آن را ظهور یک رهبر عادل در آخرالزمان تلقی می‌کند.

در نتیجه، این پژوهش نشان می‌دهد که مهدویت می‌تواند به عنوان میراث مشترک ایمانی بین دو مذهب بزرگ اسلامی عمل کند. این باور، نه تنها نمادی از امید به عدالت الهی، بلکه نیروی محرکه‌ای برای اصلاح فردی و اجتماعی است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، به ابعاد عملی و اخلاقی آمادگی برای ظهور، نقش مهدویت در اصلاح اجتماعی و تأثیر آن بر هویت جمعی مسلمانان پرداخته شود؛ چرا که تحقق حکومت جهانی عدالت، تنها به ظهور منجی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم نهادینه شدن صفات الهی در فرد و جامعه نیز هست.

منابع

قرآن کریم: ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

- کتب

۱. آیتی، ن. (۱۳۹۰). تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور. آینده روشن

۲. ابن تیمیه، ت. (۱۳۸۳). منهاج السنه النبویه. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳. اکبرنژاد، م. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۴. ترمزی، م. (۱۴۲۱). الجامع السنن. دارالكتاب العلمیه.

۵. صدوق، م. (۱۳۷۵). کمال الدین و تمام النعمه. دارالكتاب الاسلامیه.

۶. طوسی، م. (۱۳۷۵). الغیبه. دار الکتب الاسلامیه.

۷. القرضاوی، ی. (۱۳۷۸). الاسلام: عقیده و شریعه. القاهره: مکتبه وهبه.

۸. کلینی، م. (۱۳۶۸). الکافی. دارالکتب الإسلامیه.

۹. مجلسی، م. (۱۴۰۳). بحارالانوار. موسسه الوفا.

۱۰. نعمانی، ش. (۱۳۷۶). الغیبه. دارالحديث

منابع اینترنتی

۱۱. بخشی، م. (۱۳۹۹). «نقش حضرت عیسی (ع) در کنار حضرت مهدی در زمان ظهور از دیدگاه

اهل تسنن». بازیابی شده از <https://wikiporsesh.ir>